

تأثیر مولفه‌های جغرافیایی، اجتماعی و امنیتی بر عقب‌گرد اخلاقی در رسیدگی به جرایم اخلاقی نظام اقتصادی ایران

سهراب نشاسته ریز

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

محمود المیر^۱

دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مسعود حیدری

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

چکیده

جرم اخلاقی در نظام اقتصادی به عنوان یک جرم چند بعدی تلقی می‌شود که از ابعاد مختلف حقوقی، اقتصادی و جغرافیایی برخوردار است. در این زمینه، عوامل جغرافیایی نقش مهمی را ایفاء می‌نمایند به نحوی که تأثیرات جمعیتی، بافت شهری، موقعیت جغرافیایی و... در این زمینه نمودار است. از سوی دیگر، قرابت قوانین و مقررات با مؤلفه‌های اخلاقی، سبب مقبولیت و کارآمدی بیشتر آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر ناکارآمدی حقوق کیفری در پاسخ‌دهی مؤثر به جرایم اقتصادی و ضرورت حفظ نظم و امنیت جامعه در دوران کنونی (جنگ اقتصادی)، سبب کاربست رویکرد افتراقی جهت پاسخ به این جرایم در قالب تصویب «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاقی‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۷/۰۸/۲۳» گردیده که علی‌رغم قابلیت انطباق با اندیشه اخلاقی سودمدار، دارای جلوه‌هایی از عقب‌گرد اخلاقی نیز می‌باشد. در این مقاله به‌روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع رایانه‌ای و کتابخانه‌ای با نگاهی اخلاقی به شناخت این جلوه‌ها در مرحله رسیدگی دادگاه نظیر: عبور از اصل برابری سلاح‌ها، رویگردانی از اصل برائت، تسرع در رسیدگی و... پرداخته‌ایم و با قید راهکار، اصلاح شیوه مذکور با لحاظ آسیب‌شناسی صورت گرفته، به‌منظور همگامی بیشتر با آموزه‌های اخلاقی، اصول مسلم حقوق جزا و... و در نهایت پاسخ‌دهی بهینه به این جرایم و قضاوت عادلانه‌تر دستگاه قضایی را ضروری دانستیم.

کلمات کلیدی: جرایم اقتصادی، سیاست جنایی، آیین‌نامه، عقب‌گرد اخلاقی، رسیدگی افتراقی، جغرافیای شهری، بافت جغرافیایی.

تأثیر انواع محیط بر وقوع بزهکاری، یکی از موضوعات مورد مطالعه در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی می‌باشد. در حقیقت «محیط» همان بستری است که انسان در آن به زندگی می‌پردازد. معیار دانستن محیط در وقوع بزهکاری ریشه در «مکتب جغرافیای جنایی» و «قانون حرارتی جرم» از «کتله»^۱ دارد. بر مبنای نظریه کتله راجع به قانون حرارتی جرم، مقوله‌هایی نظیر فصول سال، موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی هر منطقه بر نوع رفتار مجرمانه ساکنان آن منطقه، تأثیر گذار است. با این توضیح که جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص نظیر منازعه دسته جمعی و ضرب و جرح در جنوب کشور که منطقه‌ای حاره‌ای و گرم است و در فصول گرم سال که میزان حضور افراد در جامعه و اصطکاک میان آن‌ها زیاد است، بیشتر رخ می‌دهد و در مناطق شمالی و فصول سرد سال که اکثر حضور مردم در جامعه در محیط‌های سر بسته است، جرایم علیه اموال و مالکیت بیشتر به وقوع می‌پیوندد. همچنین بزهکاری شهری از نظر آماری و کمی در مرتبه بالاتری نسبت به بزهکاری روستایی قرار می‌گیرد. در واقع مقوله شهرنشینی، خود دارای آثار و پیامدهایی بر شکل بزهکاری و رخداد جرایم بوده است بدین شرح که در مناطق روستایی شکل اکثریت جرایم از نوع جرایم خشن و فیزیکی (منازعه، ضرب و جرح و قتل) می‌باشد و بالعکس در مناطق شهری، اکثریت جرایم ارتكابی از نوع جرایم سودجویانه می‌باشند. جرم اخلال در نظام اقتصادی نیز به عنوان یک جرم اقتصادی کلان، محصول شهرنشینی است چرا که فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات مالی گسترده در مناطق شهری، خود بعنوان زمینه‌ای برای ارتكاب و توسعه چنین جرمی محسوب می‌گردد. اماکن شهری به اقتضای آرایش اجتماعی، فرصت مجرمانه بیشتری را در اختیار مجرمان می‌گذارند و به این دلیل که میزان تمرکز سرمایه، فکر و تجارت از شهری به شهر دیگر متفاوت است، سطح ارتكاب و آمار جرایم اقتصادی نیز بسته به درجه توسعه یافتگی و اقتصادی شهرها و میزان درگیری آن‌ها در فعالیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت خواهد بود. بطور مثال با توجه به تمرکز سازمان بورس در شهر تهران، میزان جرایم مرتبط با بورس نیز در این شهر، بیش از سایر نقاط است. (مهدوی‌پور، ۱۳۹۸: ۷۵۶-۷۵۵) همچنین در شهرهای مرزی، میزان ارتكاب قاچاق کالا بعنوان یک جرم اقتصادی به مراتب بیش از سایر نقاط می‌باشد و مجموعه این موارد همواره در شیوه پاسخ‌دهی به جرم و آیین‌های رسیدگی ملحوظ نظر قرار می‌گیرند.

اخلاق^۲ نیز بعنوان قواعدی مقبول و مورد احترام که طی ادوار مختلف از زندگی یک جامعه با فطرت و اندیشه‌های گوناگون پدید آمده و سرپیچی از آن‌ها وجدان اکثریت جامعه را به درد می‌آورد تعریف گشته است. (جعفری- لنگرودی، ۱۳۸۱: ۲۰) اخلاقیات هر جامعه از مهم‌ترین هنجارهای پذیرفته شده در آن تشکیل (ورورایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴) و به عنوان مبنای معاشرت مردم (نوربها، ۱۳۸۷: ۲۴) شناخته می‌شود. اخلاقیات بیش از هر امری نشأت گرفته از ندای وجدان و فطرت انسانی است (مظاهری، ۱۳۸۳: ۲۷). در حقیقت، کارکرد سلبی اخلاق، به مثابه چراغی راهنماست که مفسده مترتب بر رفتارها و مقرره‌ها را شناسانده و ما را به نایستگی انجام آنها رهنمون می‌سازد. (برهانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵)

^۱. Quetelet

^۲. Ethic

عقب‌گرد اخلاقی را می‌توان بعنوان نادیده انگاری یا در اولویت آخر قرار دادن الزامات، مفاهیم و مؤلفه‌های اخلاقی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی تعریف نمود. ریشه عقب‌گرد اخلاقی را باید در سایه‌افکنی دیدگاه نئولیبرال بر عرصه اقتصاد جوامع و حرکت جامعه جهانی به این سمت جستجو نمود. (طاهری، ۱۳۹۲: ۶۴-۷۲) در دیدگاه نئولیبرال «کارایی»^۱ و «پیامدگرایی»^۲، نسبت به مفاهیمی نظیر اخلاق، انصاف، کرامت انسانی، عدالت و... در اولویت قرار می‌گیرد. در این میان اندیشه‌های سیاست‌های نئولیبرال بر علم حقوق و پهنه سیاست جنایی نیز رسوب نموده است بدین شرح که حقوق کیفری و سیاست جنایی که بعنوان بخشی از حقوق، وظیفه حفظ نظم و امنیت جامعه از طریق کنترل، مدیریت و مهندسی اجتماع در برابر پدیده‌های مجرمانه (فروغی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶) را بر عهده دارند به سبب اینکه در برهه ای از زمان در تحقق این وظیفه ناکام ماندند برای جبران عدم کارایی سابق، به سمت اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه^۳ و حتی غیراخلاقی که متضمن جهت‌گیری سیاسی، غیرعلمی و عوام‌گرا^۴ هستند گام برداشته‌اند. البته غفلت از اهمیت به اخلاق در جرم‌شناسی نیز معضل جدیدی نیست کما اینکه «هرمان مانهایم» جرم-شناس شهیر انگلیسی در سال ۱۹۶۵ میلادی نسبت به آن هشدار داده بود. (Cebulak, 1996, 37) در حقیقت گزاره-های اخلاقی در کارکرد سلبی به مثابه خطوط قرمزی می‌مانند که حقوق کیفری و مشتقات آن، از تعدی نسبت به آنها بر حذر می‌شوند. (برهانی، ۱۳۹۶: ۱۰۵)

علی‌ای حال به موازات «جهانی‌شدن جرم»^۵ با ورود جرایم جهانی شده و فراملی همچون: قاچاق انسان و اعضای بدن، مواد مخدر، تروریسم و... به دایره‌المعارف جرایم و تحول شگرف در نیم‌رخ بزهکاری (نجفی-ابرنادآبادی، ۱۳۹۶: ۵۶) زرادخانه کیفری نیز خود را در پاسخ‌دهی مؤثر به گونه‌های جدید بزهکاری ناتوان دید در نتیجه از طریق توسل به کاربست رویکرد افتراقی در سیاست جنایی که ترجیح بند راهبردهای آن مفهوم «امنیت» و توجه افراطی به آن است در صدد تقویت قدرت خود برآمد و طرحی نو در حوزه پاسخ‌دهی به برخی جرایم و رفتار با دسته خاصی از مجرمین در انداخت. در همین رابطه مدیریت دادرسی کیفری بر مبنای مؤلفه‌های «قدرت‌مدار» سبب تولد الگوهای «کنترل‌گرای جرم»^۶ و «امنیت‌گرایی»^۷ گردیده است. (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۰۵-۹۱) که مولید دیگری تحت عناوین «دشمن‌مداری» و «جنگ با جرم»^۸ زاییده آن هستند. از آنجایی که قواعد آیین دادرسی کیفری، بازتاب اصلی دادگری و نقطه اوج به نمایش گذاردن انسانیت (توجهی، دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۵) و اخلاق‌مداری است بنابراین «افتراقی شدن آیین دادرسی کیفری»^۹ که کارایی (پاسخ‌دهی مؤثر به جرم) و حصول نتیجه (امنیت) را نسبت به مؤلفه‌هایی نظیر انصاف، اخلاق و آموزه‌های

1. Efficiency

2. Consequentialism

3. Punitive Policies

4. Populism

5. Globalization of Crime

7. Crime Control Model

8. Securitization

9. War on Crime

9. Differentiation of Criminal Procedure

دینی در اولویت قرار می‌دهد و سر سخنانه در پیِ کاربست شیوه‌های مبتنی بر عدم تسامح و روان‌داری با مجرمین است می‌تواند بعنوان یکی از جلوه‌ها و نتایج سیاست‌جنایی سخت‌گیرانه در حوزه حقوق کیفری شکلی تلقی شود که در آن مؤلفه‌های واجد عقب‌گرد اخلاقی نیز قابل رؤیت هستند.

از سوی دیگر به این دلیل که نظام اقتصادی هر کشور در پرتو ماهیت و راهبرد کلی نظام سیاسی آن شکل گرفته و متحول می‌گردد، می‌توان نتیجه گرفت که فراز و فرود امنیت اقتصادی جامعه، ارتباطی مستقیم با ثبات و امنیت سیاسی همان جامعه داشته و تهدید علیه نظام اقتصادی در نهایت بایستی به‌عنوان تهدید علیه نظم و امنیت- عمومی قلمداد شود. (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۷: ۴۵۳؛ گلدوست‌جویباری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲) شایان ذکر است جرایم - اقتصادی به‌عنوان پدیده‌های مجرمانه‌ای که با ضربات خود اصولاً پیکره مالکیت دولتی یا عمومی و یا زیرساخت‌های بزرگ اقتصادی جامعه را مورد اصابت قرار می‌دهد نمود می‌یابند. در این میان درگیری کشورمان با تحریم‌های ظالمانه اقتصادی وضع شده توسط جبهه استکبار، شرایط خاصی را پدید آورده که در رسانه‌ها و محافل سیاسی از آن بعنوان «جنگ اقتصادی» تعبیر می‌شود در نتیجه پاسخ‌دهی به جرایم اقتصادی و آثار سوء آن اهمیتی دوچندان یافته که سبب کاربست رویکردی افتراقی در نحوه رسیدگی به این جرایم در قالب «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۷/۰۸/۲۳» و تأسیس دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی و سپس اصلاح و تعدیل آیین‌نامه مذکور از طریق تصویب «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاک‌گران در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸» و تمدید آن تا زمان تصویب قانون، بموجب استیضاح مورخه ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ مقام معظم رهبری گردیده است که شیوه رسیدگی این دادگاه‌ها و احکام صادره از آنها در خصوص متهمین عمدتاً سرشناس و صاحب قدرت و ثروت، طی سالیان اخیر تاکنون نقش پُررنگی در شکل-گیری افکار عمومی، بازگرداندن اعتماد عمومی به حاکمیت و نیز کارنامه نظام عدالت کیفری میهن اسلامی‌مان از خود بر جای گذاشته است که البته آسیب شناسی، واکاوی و شناخت مقرره‌های قابل انتقاد و درخور اصلاح این رویکرد نیز می‌تواند در مسیر مبدل شدن آن به قانون مفید فایده واقع گردد.

از جمله پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع این مقاله می‌توان به کتاب «سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی» (۱۳۹۵) نوشته دکتر اعظم مهدوی‌پور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگاشته شده توسط روح الله کرامتی با عنوان «سیاست کیفری افتراقی جمهوری اسلامی ایران در قبال جرایم اقتصادی» (۱۳۹۶)، مقاله «آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل» (۱۳۹۷) نوشته حسین سلطانی‌فرد و همکاران (فصلنامه مطالعات حقوقی) و مقاله «توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی؛ تهدید جرم یا خطر مرتکب» (۱۳۹۸) نوشته علیرضا آیت و همکاران (فصلنامه پژوهش حقوق کیفری) و مقاله «بررسی تطبیقی دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازات‌ها» (۱۳۹۸) نوشته مجتبی قهرمانی و دکتر علیرضا سایبانی (فصلنامه پژوهش حقوق کیفری)، مقاله «مبانی افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرایم اقتصادی» (۱۳۹۸) نوشته اعظم مهدوی‌پور در کتاب چهارم دایره المعارف علوم جنایی اشاره نمود که البته در موارد مذکور، دوربین پژوهشی بنا بر اقتضات حاکم بر زمان انجام پژوهش‌های مذکور و هدف و سلیقه نویسندگان محترم به سمت مطالعه اخلاقی مفاد مرتبط با مرحله رسیدگی دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی در «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران

در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۷/۰۸/۲۳» و اصلاحات بعدی آن در سال ۱۳۹۹، تحت عنوان «آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلال گران در نظام اقتصادی کشور» نرفته است و همین نکته ضرورت نگارش مقاله پیش رو را عیان می‌سازد.

در این مقاله ضمن اعتقاد به قباحت ارتکاب جرایم اقتصادی و عملکرد نادرست اخلالگران در نظام اقتصادی، بر لزوم پاسخ‌دهی به آنها در هر زمان و بخصوص دوران حاضر که در ادبیات رسانه‌ای و سیاسی بعنوان «جنگ اقتصادی» شناخته می‌شود تأکید می‌نماییم. در ابتدا به اختصار جرایم اقتصادی و افتراقی شدن رسیدگی به آنها را بازمی‌شناسیم و به نظریه اخلاقی سودمدار که بعنوان مبنای توجیه این رویکرد افتراقی شناخته می‌شوند اشاره نموده و سپس با نگاهی اخلاقی به واکاوی مهمترین جلوه‌های عقب‌گرد اخلاقی رسیدگی افتراقی دادگاه‌های مذکور از جمله: عبور از اصل برابری سلاح‌ها و چالش‌های اخلاقی ناشی از عطف بماسبق‌شدن آیین‌نامه و نادیده‌انگاری حقوق مکتسبه متهم در فرآیند محاکمه نظیر رویگردانی از اصل برائت و تسرع (شتاب‌زدگی) در رسیدگی و صدور حکم پرداخته و سپس به چالش‌های اخلاقی ناشی از عطف بماسبق‌شدن آیین‌نامه و نادیده‌انگاری حقوق مکتسبه متهم که در احکام صادره از این دادگاه‌ها تجلی می‌یابند نظیر: ممنوعیت کاربست تخفیف مجازات و نیز قطعی بودن آرای صادره (به‌استثناء محکومیت به اعدام) اشاره نموده و متناظر با هریک راهکاری ارائه می‌نماییم که ضمن تحقق نسبی اهداف آیین‌نامه مذکور با اصول اسلامی اخلاقی سازگارتر می‌باشد. در پایان امید آن داریم با نگارش این مقاله در مسیر اصلاح و اعتلای وضع موجود و اخلاقی‌تر شدن آیین رسیدگی افتراقی حاکم بر این دسته از جرایم که بزودی از طریق فرآیند تقنینی در مجلس شورای اسلامی نمود پیدا خواهد نمود گام کوچکی برداریم.

حال که به اجمال شناخت کلی از زاویه دید این مقاله بدست آوردیم به اختصار افتراقی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی را بیان می‌نماییم:

افتراقی شدن آیین رسیدگی به جرایم اقتصادی

افتراق در لغت به معنای مفارقت، فرق گذاشتن، از یکدیگر جدا شدن و بودن دو جوهر در دو چیز به نحوی که تفاضل میان آن دو ممکن باشد تعریف گردیده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۹۲؛ معین، ۱۳۸۲: ۲۸۵). اصطلاح افتراقی شدن دادرسی ناظر به تفرق و جزیره‌ای شدن دادرسی می‌باشد. (پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۲۳؛ سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۸)

افتراقی سازی، طبقه سازی یا لایه‌بندی سیاست جنایی به عنوان یک استراتژی نوین در ربع آخر سده بیستم میلادی وارد مطالعات سیاست جنایی گردید. (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۸). راهبرد افتراقی سازی سیاست جنایی، با رهیافت دوگانه سازی یا دو قطبی ساختن پاسخ‌دهی به بزه‌کاری آغاز گردید. بدین معنا که بزه‌کاران خطرناک یا مکرر بایستی از یکدیگر تفکیک گردند و به تبع آن کمیت و کیفیت پاسخ‌دهی به جرایم آن‌ها نیز بایستی غیرهمسان شود لیکن با سپری شدن زمان، پدیده افتراقی‌سازی سیاست جنایی هندسه‌ای چند بُعدی یافت و علاوه بر جرم و مجرم، مواردی نظیر: موقعیت جرم، آماج جرم، شخص بزه‌دیده (بطور کلی موقعیت پیش‌جنایی) را نیز در محتوای راهبردهای خود جای داد. هم‌اکنون افتراقی شدن رسیدگی از سه زاویه (شخصیت بزه‌کار، نوع بزه و وضعیت پیش-جنایی و آماج جرم) نمود یافته و قابلیت بررسی می‌یابد. (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۹۶: ۶۱-۵۹). شایان ذکر است در این

مقاله منظور از افتراقی شدن، کاربست تدابیری متفاوت یا به تعبیری تدابیری است که متضمن سخت‌گیرانه‌تر شدن آیین رسیدگی و شیوه پاسخ دهی به مجرمین خاص اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌گردد. حال باید به این پرسش پاسخ دهیم که افتراقی شدن سیاست جنایی نسبت به جرایمی که منتهی به اخلال در نظام اقتصادی می‌شوند چگونه نمود یافته و چه چالش‌هایی را می‌آفریند؟

در پاسخ باید عنوان نمود: آیین دادرسی کیفری به‌عنوان بخشی مهم از سیاست جنایی در مفهوم مضیق، به مثابه آیین تمام‌قدی است که در طول فرآیند کیفری، رویکرد و پای‌بندی حاکمیت نسبت به قانون‌مداری توأم با احترام به مقولاتی نظیر: اصول و مؤلفه‌های اخلاقی، کرامت انسانی، حقوق بشر، حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع مردم آن جامعه را بازتاب می‌دهد لذا کاربست افتراق در آیین رسیدگی به جرایم، به‌طور مستقیم حقوق شهروندان را بعنوان افراد درگیر در فرآیند کیفری دچار انقباض و تحدید می‌نماید. زمانی که از افتراقی شدن رسیدگی کیفری سخن می‌رانیم به دنبال چرخش رویکرد و کاربست تفاوت در شیوه رسیدگی با وضع مقرراتی ویژه و متفاوت با اصول کلی حاکم بر رسیدگی‌ها (آیین دادرسی کیفری) می‌باشیم. چنین چرخش رویکردی غالباً با در نظر گرفتن اهمیت دسته‌ای خاص از جرایم و با هدف اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در پاسخ‌دهی به جرایم صورت می‌پذیرد. (مهدوی‌پور، ۱۳۹۵: ۲۲۵؛ قهرمانی و سایبانی، ۱۳۹۸: ۱۹۴) در این حالت اصولاً به مجرم یا متهم تنها به‌عنوان «عامل خطر» و برهم خوردن امنیت می‌نگریم و برای شخصیت وی و اصلاح و باز اجتماعی شدنش اهمیتی قائل نمی‌شویم. از همین رو نظام عدالت کیفری در مسیر نیل به نتایج مد نظر خود ممکن است به حالاتی نظیر حاکمیت اخلاق بد بر سیاست جنایی (رحمانیان و حبیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۷) و کیفری همچون ابزارگرایی کیفری، عوام‌گرایی کیفری و... نائل گردد که مواجهه فرآیند رسیدگی کیفری با چالش‌هایی نظیر عقب‌گرد اخلاقی و تخدیش کرامت- انسانی و تحدید حقوق بشر بخشی از ثمرات آن خواهد بود.

و اما جرایم اقتصادی به چه معناست و دامنه آن تا کجاست؟ عبارت جرایم اقتصادی در ردیف عباراتی نظیر: فساد و جرم سازمان‌یافته از مسیر علوم سیاسی و علم اقتصاد به جرم‌شناسی و حقوق کیفری راه پیدا نمودند. این عبارت تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲، بیشتر چهره‌ای شعارگونه و ظاهری داشت و سرانجام در قانون مذکور بعنوان یکی از عناوین مرتبط با قواعد عمومی جرایم و مجازات در نظر گرفته شد هرچند با لحاظ ماده ۲۸۶ قانون فوق و تصریح به موضوع اخلال در نظام اقتصادی بعنوان یکی از مصادیق افساد فی الارض می‌توان دیدگاه حقوق جزای اختصاصی نیز به آن پیدا نمود. (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۳)

قوانین کیفری ایران و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی تعریف دقیق و خاصی از جرائم اقتصادی ارائه ننموده‌اند. شاید در نگاه نخست «جرایم مالی» و «جرایم اقتصادی» یکسان به نظر آیند لکن این دو دارای تفاوت‌های بنیادینی هستند. خوب است بدانیم هر رفتاری که منجر به اخلال در امنیت و نظم اقتصادی جامعه شود به‌عنوان جرم اقتصادی شناخته می‌شود هر چند مال وسیله ارتکاب یا هدف انجام جرم نبوده باشد. (سلطانی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۶) علی‌هذا می‌توان آن‌را رفتار مجرمانه‌ای دانست که با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی در بستر و علیه نظام اقتصادی (بانکی، گمرکی، مالیاتی، پولی، ارزی، تولیدی، توزیعی، خدماتی و...) صورت پذیرفته و در نهایت سبب آسیب به امنیت و اخلال در نظام و چرخه فعالیت‌های اقتصادی گردد. آنچه نباید از آن غافل شد این است که فساد

اقتصادی مخلوق جرایم اقتصادی است و فساد مصطلح در زبان عامه مردم، فی نفسه قابل مجازات نمی باشد بلکه زمانی مستحق پاسخ کیفری محسوب می شود که در قالب جرم اقتصادی جلوه یابد. (رستمی، ۱۳۹۷: ۱۴۹)

حال پرسش مهم این است که این گونه عقب گرد اخلاقی، از منظر اخلاق نیز توجیهی خواهد داشت؟ پاسخ دقیق و جامع به این پرسش فرصت دیگری می طلبد لکن بطور خلاصه می توان گفت آنچه عقب گرد اخلاقی مذکور را موجّه می نماید نگاه مصلحت محورانه به مقوله امنیت و حقوق شهروندی به منظور حصول «منفعت عمومی»^۱ است که ظاهراً با دیدگاه اخلاقی «سودمدار»^۲ موافقت دارد. اگرچه این دیدگاه به عنوان رقیبی ناهمگون با حقوق بشر معرفی شده است^۳ (برهانی، ۱۳۹۶: ۱۶۴) با این حال، نظریه هنجاری سودمدار (فایده گرا) از جمله رویکردهای مورد پذیرش در ادبیات اخلاقی، حقوقی و سیاسی معاصر است و جبهه گیری های نظریات نفعمدار بارزترین نمونه دیدگاه های نتیجه گرا در حوزه هنجار اخلاقی است که تحدید حقوق بشر به منظور حفظ نظم و امنیت و تحقق منافع جمعیت - حداکثری جامعه را مجاز می پندارد. (آشوری و مندنی، ۱۳۹۷: ۱۹۱-۱۹۲) حقوق کیفری نیز با اندیشه سودمدار بیگانه نیست. یکی از سردمداران فایده گرایی در حقوق کیفری سزار بکاریا است. فایده گرایان حقوق کیفری بر این عقیده اند که یگانه دلیل تمسک به گفتمان و ابزار کیفری، نفع و فایده ای است که در نتیجه استفاده از آن، عاید می شود. (رحمانیان و حبیب زاده، ۱۳۹۲: ۵۲) در سودمداری آنچه مهم است منفعت عمومی است و افرادی که نقض قانون نمایند رفاه جمعی موجود در جامعه را تقلیل می دهند و از آنجا که چنین کاهش اخلاقاً قبیح است پس ما از نظر قانونی ملزم به رعایت قانون هستیم. در سودگرایی آنچه ارزش اخلاقی دارد رفاه یا خوب زیستن است و هر رفتاری که رفاه بیشتری ایجاد کند ارزش اخلاقی بیشتری دارد و هیچ امر دیگری غیر از این لذت ارزش ذاتی اخلاقی ندارد. (برهانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷). اکنون که تا حدودی با افتراقی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی و بستر توجیه اخلاقی آن آشنا شدیم به بیان مقدمه ای در خصوص موضوع اصلی یعنی جلوه های عقب گرد اخلاقی آیین رسیدگی به جرایم اخلاکگران در نظام اقتصادی خواهیم پرداخت و سپس این جلوه ها را واکاوی می نماییم.

جلوه های عقب گرد اخلاقی مربوط به فرآیند محاکمه در آیین رسیدگی به جرایم اخلاکگران در نظام اقتصادی

جایگاه اخلاق در زندگی اجتماعی به حدی مهم است که پشتوانه اخلاقی داشتن قوانین و مقررات را می توان بهترین پشتیبان و ضمانت کننده اجرای قوانین و مقررات تلقی نمود. (قیوم زاده و جهانگیری مقدم، ۱۳۹۳: ۹۷). «هرودوت»^۴ اولین تاریخ نگار یونان باستان و «دموستن»^۵ از سیاستمداران یونان باستان، مجازات افراد بدون رعایت تشریفات قانونی را مظهر ستمگری می دانند. (قنوتی و مندنی، ۱۳۹۷: ۱۶۴) مرحله دادرسی بعنوان تجلی گاه ترازوی عدالت و توزین ادله مجرمیت و دلایل بی گناهی متهم شناخته می شود. (مهدوی پور، شهرانی، ۱۳۹۶: ۹۵) دادرسی زمانی صفت منصفانه به خود می گیرد که از رهگذر دادگاهی بی طرف، غیروابسته و همگام با آیین دادرسی قانونمند بر پایه

1. Public Interest

2. Utilitarianist Approach

1. Herodot

2. Demosthene

احترام به حقوق بنیادین اشخاص درگیر در فرآیند دادرسی صورت پذیرد. (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۵۵) حال با بیان مقدمه فوق، به عبور از اصل برابری سلاح‌ها که به‌طور کلی فرآیند رسیدگی به جرایم مذکور را تحت الشعاع قرار داده پرداخته و سپس به سایر مؤلفه‌های دارای عقب‌گرد اخلاقی مربوط به فرآیند محاکمه در این دادگاهها خواهیم پرداخت:

عبور از اصل برابری سلاح‌ها

مطابق «اصل برابری سلاح‌ها»^۱ در پرونده کیفری، طرفین اعم از متهم و شاکی و یا مدعی‌العموم بایستی دارای شرایط و امکانات برابری به منظور اثبات ادعا و حقانیت خود باشند (خالقی، ۱۳۹۲: ۱۵۷) مستنبط از این اصل دارای مبنای اخلاقی، در فرآیند محاکمه هر دادگاهی به هر دو سوی پرونده بایستی یکسان نگریسته شود. مطابق ماده ۲ و تبصره همان ماده از «آئین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۷/۰۸/۲۳ «شعبی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تهران و حسب ضرورت در سایر مراکز استان‌ها اقدام به رسیدگی در خصوص جرائم اقتصادی می‌نمایند. حوزه قضایی شعبه تهران در رسیدگی به جرایم، سراسر کشور است و در مراکز استان‌هایی که این دادگاهها تشکیل می‌شوند علاوه بر رسیدگی به جرایم حوزه همان استان عنداللزوم با ارجاع معاون اول قوه قضاییه به جرایم اخلاک در نظام اقتصادی کشور استان‌های همجوار و نزدیک نیز رسیدگی می‌شود.

از اوصاف رسیدگی مراجع اختصاصی که دادگاه انقلاب اسلامی نیز در زمره آن قرار دارد یکی «رسیدگی سریع» و دیگری «سخت‌گیری و شدت در برخورد کیفری» است. (خالقی، ۱۳۹۲: ۳۲۲؛ ناجی، ۱۳۹۴: ۲۴؛ مهدوی‌پور و شهرانی، ۱۳۹۳: ۱۷۹) که همین مسأله تاحدودی «اصل برابری سلاح‌ها» در فرآیند کیفری را زیر سؤال می‌برد چرا که مبنای نگرش به متهمی که به این دادگاهها وارد می‌شود با متهمی که در سایر دادگاه‌های کیفری وارد شده تا حدودی متفاوت است علت هم آن است که دادگاه انقلاب بر اساس ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری اصولاً به جرایم امنیتی رسیدگی می‌کند که حاکمیت در آن یک سوی پرونده است.^۲ این درحالیست که در مرحله رسیدگی دادگاه اصولاً دادرس دادگاه بر خلاف دادستان که به‌عنوان مدعی‌العموم صرفاً در پی اجرای مجازات و اعاده نظم و امنیت به جامعه است بایستی نماینده عدالت و بی‌طرف باشد. (مهدوی‌پور و شهرانی، ۱۳۹۳: ۱۷۹) از دیدگاه کمیته حقوق بشر سازمان ملل، دادرسی در مراجع اختصاصی می‌تواند اصل برابری افراد در برابر دادگاه و استقلال و بی‌طرفی دادرسی را دچار مخاطره نماید. (خالقی، ۱۳۹۲: ۳۲۱)

واقعیت دیگری که در خصوص لزوم برابری سلاح‌ها در فرآیند کیفری بایستی مورد توجه قرار گیرد این است که تخصصی - فنی شدن قضاوت به عنوان یکی از معیارهای دادرسی منصفانه (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۹) و شاخص‌های - توسعه قضایی محسوب می‌شود. (گلدوست، ۱۳۹۲: ۶۴۷) و ما در جرایم اقتصادی، با پیچیدگی‌های فنی و تخصصی این پرونده‌ها در زمینه‌های مختلف نظیر: بانکی، ارزی، گمرکی، صنعتی و... مواجه هستیم بنابراین احاطه یافتن بخشی از قضات محترم بر این موارد، جزء امیال ایده‌آل دستگاه عدالت کیفری کشورمان محسوب می‌گردد لیکن

^۳. Equality of Arms

۴. در همین رابطه برخی نویسندگان به درستی جرایم اقتصادی ایران را به دو دسته «جرایم اقتصادی متعارف» و «جرایم اقتصادی انقلابی امنیتی» تفکیک

نموده‌اند. (نیازپور، ۱۳۹۸: ۱۴۲)

در حال حاضر نظام قضایی کشورمان آمادگی تأمین چنین کادر قضایی ای را ندارد لذا جهت استطلاع قضات محترم، ارجاع امر به کارشناسی لازم می آید فلذا در چنین پرونده هایی اکثراً به نظریه کارشناسان و کارمندان نهادهای کاشف یا متضرر از جرم نظیر: بانک مرکزی، وزارت خانه ها و... که در بیشتر موارد، خود یک طرف پرونده محسوب شده و با متهمین تعارض منافع دارند استناد می شود. این در حالیست که تأثیر مواردی نظیر وجود رابطه استخدامی و وجود عنصر نفع در بی اعتبار دانستن نظریه کارشناس در سیستم های مختلف حقوقی جهان به رسمیت شناخته شده و حتی کارشناس مزبور حق استناد به اطلاعاتی که به واسطه تفویض امر کارشناسی در اختیارش قرار گرفته را به نفع سازمان متبوعش ندارد. (فتحی و امیرحاجلو، ۱۳۹۷: ۳۸۶)

بنابر توضیحات فوق، در افتراقی شدن رسیدگی به جرایم اخلاکگران در نظام اقتصادی، اصل برابری سلاح ها بعنوان یکی از معیارهای دادرسی منصفانه و اخلاق مدار زیر سؤال رفته و چالش های بسیاری را پدید آورده است. در صورت تداوم دادگاه های مذکور بر مبنای آیین نامه یا تبدیل آن به قانون، یکی از راهکارهای جایگزین پیشنهادی که البته مستلزم فراهم سازی زیرساخت های مخصوص به خود خواهد بود استفاده الزامی از قضات دانش آموخته و متخصص در رشته هایی نظیر حقوق اقتصادی، حقوق تجارت بین الملل، حقوق مالکیت فکری و... در ترکیب هیأت قضایی دادگاه مذکور خواهد بود تا بدین وسیله میزان نگاه امنیتی به متهم تعدیل شده و دادرسی جنبه فنی-تخصصی اقتصادی نیز پیدا نماید. همچنین جهت رفع شائبه وجود عنصر نفع در اظهار نظر کارشناسی مستخدمین دستگاه های کاشف یا متضرر از جرم، میتوان از ارجاع موضوع به کارشناسان رسمی دادگستری نیز بهره برد. بدیهی است که این مورد نیز مستلزم پیش بینی سازوکارهای مخصوص به منظور جلوگیری از نفوذ پذیری فرآیند کارشناسی خواهد بود. حال که با عبور از اصل برابری سلاح ها در فرآیند محاکمه این دادگاه ها آشنا شدیم به موضوع عطف بماسبق شدن مقررات آیین نامه که سبب نادیده انگاری حقوق مکتسبه متهم در فرآیند محاکمه و مرحله صدور حکم گردیده است می پردازیم:

عطف بماسبق شدن آیین نامه و نادیده انگاری حقوق مکتسبه متهم در فرآیند محاکمه

استانداردهای دادرسی بر مبنای ارزش هایی پایه گذاری شده که متضمن ارزش های والای اخلاقی و انسانی هستند که در نهایت بایستی به برقراری عدالت منتهی گردند. این استانداردها دسته ای از قواعد حقوقی و حتی اخلاقی ای تلقی می شوند که حیات و مشروعیت فرآیند دادرسی در گرو تضمین اجرا و احترام به آنهاست و اصولاً غیرقابل عدول هستند. (قنوتی و مندنی، ۱۳۹۷: ۱۶۵) قاعده اخلاقی، عقلانی و دینی «قُبْح عقاب بلا بیان» که مبنای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات هاست یکی از این موارد است (موسوی بجنوردی و تکمیلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳) البته امروزه سخن از اصل «قانون مندی حقوق جنایی»^۱ (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۳۴) و اصل قانونی بودن حقوق جزاست^۲ تا این اصل دامنه و مصادیق وسیع تری پیدا نماید و نه تنها بر لزوم پیش بینی و اعلام قبلی جرایم و مجازات ها در قانون اصرار

۱. جهت اطلاع بیشتر در خصوص اصل «قانون مندی حقوق جنایی» ر.ک: رایجیان اصلی، ۱۳۹۸، ۵۶-۳۴

۲. جهت اطلاع بیشتر در خصوص رعایت اصل «قانون مندی و کرامت انسانی» ر.ک: رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۸

ورزد بلکه صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده و آیین رسیدگی به امر جزایی را نیز از قبل در قانون تبیین نماید. (خالقی، ۱۳۹۲: ۱۲).

بر اساس ماده ۱۰ آیین‌نامه مذکور و و تبصره ۲ ذیل آن تمامی محاکم موظف شده اند تا پرونده‌های جرایم موضوع قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور و افساد فی‌الارض ناشی از جرایم اقتصادی که تاکنون در مورد آنها رأی صادر نگردیده است را برای ارجاع به شعبه دادگاه‌های ویژه به معاون اول قوه قضاییه ارسال نمایند. همچنین در مورد پرونده‌هایی که رأی بدوی آن‌ها بعد از مصوبه ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ (استجازه آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷) صادر شده باشد مرجع تجدیدنظر یا فرجام مکلف به نقض رأی بدوی شده و پرونده برای ارجاع به شعبه دادگاه ویژه به معاونت اول قوه قضاییه ارسال می‌گردد. با اندک مذاقه ای مشخص می‌گردد که اگرچه اصولاً قوانین مربوط به تشکیلات قضایی، صلاحیت و شیوه دادرسی وفق ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ فوراً اجرا و عطف بماسبق می‌گردند لیکن این امر به شرطی مجاز است که حق مکتسبه‌ای برای متهم بوجود نیامده باشد (شمس‌ناتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۱؛ نوربها، ۱۳۸۷: ۱۴۸). چالشی که با آن مواجه هستیم بدین شرح است: متهمی که قبل از لازم الاجرا شدن آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷ یک مرتبه مورد محاکمه قرار گرفته و حکم بدوی در مورد وی صادر شده نبایستی با وضع یک مقررہ سخت‌گیرانه مؤخر (آیین‌نامه مذکور)، دچار آیین دادرسی افتراقی‌ای شود که بخشی از حقوق مکتسبه‌ای که در جریان محاکمه قبلی از آن برخوردار بوده است را برای وی محدود نماید چرا که چنین حالتی به نوعی نادیده‌انگاری آموزه‌های دینی و قاعده عقلانی اخلاقی و دینی قبح عقاب بلا بیان می‌باشد. شایان ذکر است با ملاحظه استجازه مورخه ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ و استجازه ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ و نیز مواد ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۷ و مواد ۲ و ۱۲ و ۱۶ آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان‌احلال‌گران در نظام اقتصادی کشور (۱۳۹۹)، این گونه استنباط نمی‌گردد که دادگاه‌های ویژه موضوع استجازه، صرفاً صلاحیت رسیدگی به پرونده‌های اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور را دارند که تاریخ وقوع جرم آن‌ها، مؤخر بر تاریخ صدور استجازه نخستین یعنی ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ می‌باشد و جرایم رخ داده شده قبل از تاریخ استجازه مذکور، از صلاحیت این دادگاه‌ها مستثنی می‌باشند بلکه در حقیقت آنچه از صلاحیت دادگاه‌های ویژه استجازه، مستثنی گردیده جرایمی هست که بر مبنای بند ۱۶ استجازه مورخه ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ و ماده ۱۴ آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان‌احلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۹۹، در بازه زمانی قبل از ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ رخ داده شده لکن تاکنون به دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی، ارجاع نگردید. بدیهی است این موضوع تأثیر بسزایی در سرنوشت پرونده‌ها و متهمینی که روانه دادگاه‌های ویژه موضوع استجازه می‌گردند خواهد داشت که با مطالعه ادامه این مقاله، اهمیت موضوع آشکار خواهد شد. در ادامه نوشتار به بیان مهمترین جلوه‌های عقب‌گرد اخلاقی در آیین رسیدگی به جرایم اخلاک‌گران در نظام اقتصادی که ناشی از نادیده‌انگاری حقوق مکتسبه متهم در فرآیند محاکمه است خواهیم پرداخت:

روی گردانی از اصل برائت

«اصل برائت» از جمله اصول عقلانی است که ریشه در اصل عملی استصحاب علم اصول فقه و حقوق اسلام داشته و از عدالت حقوقی نشأت می‌گیرد. (شمس‌ناتری، ۱۳۹۰: ۲۸۷). معنای این اصل در اصطلاح فقهی عبارتست از

گرایش به سمت نفی الزام قانونی و عدم تعهد و تکلیف و آزادی اراده هنگام مواجهه با شک در تکلیف و کارکرد آن مصونیت دادن به متهم در برابر خطا و اشتباه مقام تعقیب است. (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵)

ممکن است «اصل براءت» مترادف با «فرض براءت» در نظر گرفته شوند (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۳) در حالی که این دو علیرغم شباهت زیاد کاربرد در حقوق موضوعه، از هم متمایزند. فرض براءت به عنوان یک قانون ابتدایی و بدیهی پایه و اساس دادرسی منصفانه کیفری را تشکیل (R.Ferguson, 2016: 133) و در پهنای این گیتی مورد احترام واقع شده است به طور مثال فرض براءت در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۱ منشور حقوق و آزادی های کانادا ۱۹۸۲ (R.Ferguson, 2016: 132)، ماده ۱۳ قانون اساسی فرانسه، ماده ۱۰۸ قانون اساسی اتحادیه اروپا (رحیمی - نژاد، ۱۳۸۷: ۲۰۵) به رسمیت شناخته شده است اما اصل براءت که از منظر اصولی نسبت به فرض براءت تقدم دارد در اصل ۳۷ قانون اساسی، بند ۲ ماده واحده قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و ماده ۴ قانون آیین دادرسی کیفری مورد تصریح قرار گرفته است.

در رابطه با حکومت اصل براءت در فرآیند محاکمات کیفری باید این مقدمه را بیان نمود که علنی بودن دادرسی بدین معنا که مانعی جهت حضور آزادانه اشخاص جهت مشاهده محاکمه وجود نداشته باشد از جمله معیارهای دادرسی منصفانه و به نوعی ضمانت کننده استقلال و بی طرفی دادرس است. (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۵) بر مبنای بند ۳ استجازه مورخه ۱۳۹۷/۰۵/۲۰ آیین نامه ۱۳۹۷/۰۸/۲۳، به تشخیص رییس دادگاه، جلسات دادگاه های ویژه جرایم اقتصادی علنی و قابل انتشار در رسانه ها می باشد که این مقرر با تبصره ۲ ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، که بر مبنای آن، انتشار جریان رسیدگی و گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم در صورتی که به عللی از قبیل خدشه دار شدن وجدان جمعی یا حفظ نظم عمومی، ضرورت یابد به درخواست دادستان کل و موافقت رییس قوه را تجویز نموده، تا حدودی متفاوت بود. چرا که تشخیص این ضرورت بر مبنای تصمیم شخصی هریک از رؤسای شعب دادگاه ویژه جرایم اقتصادی، تفسیر بردار و بدون معیار خاصی در نظر گرفته شده بود و با اصل براءت و معیارهای دادرسی منصفانه و اخلاق مدار هم خوانی نداشت موضوعی قابل انتقاد که خوشبختانه بموجب بند ۵ استجازه مورخه ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ و در اصلاحات آیین نامه مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ بموجب ماده ۱۸ آن لحاظ گردید.

البته از زاویه دیگری نیز می توان به این وضعیت حاکم بر آیین نامه سال ۱۳۹۷ پرداخت که آن هم «عوام گرایی - کیفری» از طریق انتشار هويت متهمین و انعکاس فرآیند محاکمه در رسانه ها است. در عوام گرایی کیفری با مرجح دانسته شدن خواسته توده های مردمی نسبت به اصول نهادهای عدالت کیفری و تقدم وفاق عمومی نسبت به دانش تخصصی کنش گران نظام عدالت کیفری (پرت، ۱۳۹۲: ۳۷ و ۵۵) تلاش می شود افکار عمومی به وسیله راهکارهای تبلیغاتی و رسانه ای متوجه موضوع کیفری شده و از این طریق به دستگاه قضایی برای محاکمه سریع و مجازات شدید متهمین فشار وارد می شود. در نتیجه با «تشهیر» متهمین، عزم و اراده دستگاه قضایی و حاکمیت برای مبارزه با مفاسد اقتصادی و بازگشت امنیت به جامعه به نمایش گذارده می شود در حالی که چنین رویکردی علی رغم اینکه ممکن است ما را به مقصود فوق نائل کند لکن به فرآیند «برچسب زنی» و تبعات سوء آن از جمله گریز متهم از

جامعه منتج می‌شود و با قاعده «لاضرر و لااضرار فی الإسلام»، اصل شخصی بودن مجازات‌ها (نوربها، ۱۳۸۷: ۸۲) و کرامت‌انسانی سازگار نبوده و خویشان و اطرافیان متهمین جرایم اقتصادی را نیز تا مدت‌ها درگیر فرآیند کیفری و تبعات منفی آن می‌سازد. (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۵: ۱۲۵۵-۱۲۵۳) همچنین تشهیر متهم و فشار رسانه‌ها اعم از: عکس- برداری، فیلم‌برداری، اصرار به پرسش و مصاحبه با افراد دخیل در پرونده، متهم را از در پناه اصل براءت بودن خارج ساخته و در پیشگاه هیأت قضایی فرض را بر مجرمیت وی استوار می‌سازد چراکه اذهان دادرسیین دادگاه خواه ناخواه از فشار رسانه‌ای و افکار عمومی که مشتاق مجازات شدید متهم هستند تأثیر می‌پذیرد. افزون بر این، ذهن متهم و وکیل مدافع وی نیز در این فرآیند مشوش شده و انجام فرآیند دفاع بعنوان یکی از حقوق مسلم متهم با چالشی اساسی مواجه می‌شود. راهکار پیشنهادی جایگزین در صورت تداوم دادگاه‌های مذکور، پیش‌بینی ضبط صدا و تصویر همزمان با فرآیند محاکمه و انتشار آن در رسانه‌ها صرفاً بعد از صدور حکم محکومیت متهم و قطعی شدن آن می‌باشد.

تسرع در رسیدگی و صدور حکم

شتاب‌زدگی (تسرع) در بیشتر موارد، به عنوان یک اخلاق مذموم و ناپسند شناخته شده (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۳۶۲) که در اعمال انسان به صور گوناگونی تجلی می‌یابد؛ البته عجله و شتاب، به خودی خود مذموم نیست، بلکه از این دیدگاه که سبب مجال اندیشه نیافتن انسان و عدم توفیق در کسب معرفت لازم می‌گردد، مورد نکوهش واقع شده است. (علیزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۲). از سوی دیگر اصل تسریع و چابک‌سازی فرآیند رسیدگی به عنوان یکی از ابزارهای توسعه قضایی (گلدوست‌جویباری، ۱۳۹۲: ۶۵۲) و دادرسی منصفانه محسوب می‌شود (دبیرزاده، ۱۳۹۴: ۱۱۸) لکن بایستی این واقعیت را در نظر داشت که صرف سرعت در دادرسی ملاک معتبری برای توسعه یافتگی دستگاه قضایی یا صحت عملکرد آن نیست بلکه آنچه بایستی مراعات شود چابک‌سازی دادرسی در «مدت زمان معقول» است بگونه‌ای که به عدالت و دادرسی منصفانه نائل گردد و این زمان معقول به اوضاع و احوال حاکم بر هر پرونده وابسته است. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۲۲۸) لذا از نظر منطقی نیز مدت زمان در نظر گرفته شده برای رسیدگی به پرونده‌های قطور و مفصل کیفری (نظر به پیچیدگی، گستردگی دامنه جرم و تعدد اتهامات) و مهم به علت نوع مجازات (اعدام، حبس‌های طولانی مدت و جزایهای نقدی سنگین) بایستی طولانی‌تر در نظر گرفته شود.

از جمله مبانی توجیهی و ضرورت سرعت در رسیدگی کیفری به این نکته باز می‌گردد که چنانچه در رسیدگی‌های کیفری و اجرای مجازات تأخیر و اطاله رخ دهد مجرمین به این نتیجه می‌رسند که نظام عدالت کیفری در تعقیب، محاکمه و اجرای مجازات آن‌ها عاجز است فلذا بدین طریق برای تکرار جرم، انگیزه مضاعفی پیدا می‌نمایند.

به موجب مواد ۲۰ و ۲۱ آیین‌نامه سال ۱۳۹۷، بازپرس مکلف به تکمیل تحقیقات و اظهارنظرنهایی پرونده ظرف مدت ۲ ماه از تاریخ ارجاع پرونده است و در صورت تأخیر باید مراتب را با ذکر دلیل از طریق دادستان مربوطه به معاون اول قوه گزارش دهد همچنین دادستان مکلف است ظرف ۲۴ ساعت در خصوص قراردادهایی بازپرس اعلام نظر و در صورت موافقت با قرار جلب به دادرسی ظرف ۲۴ ساعت اقدام به صدور کیفرخواست نماید. در مرحله رسیدگی

دادگاه نیز وفق ماده ۲۴ و تبصره های آن، فاصله میان ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی حداکثر ۵ روز خواهد بود و جلسات رسیدگی دادگاه بدون وقفه و پی در پی (مسلسل وار) می باشد و در صورت تجدید وقت، جلسه بعدی حداکثر ظرف ۳ روز تشکیل خواهد شد مگر دادگاه نیاز به تحقیقات بیشتری داشته باشد و اگر جلسات رسیدگی بیش از یک ماه بطول انجامد علت طولانی شدن بایستی توسط رییس دادگاه به معاون اول قوه قضاییه گزارش شود. ماده ۵ و ماده ۱۵ علی الخصوص تبصره ۲ این ماده در آیین نامه مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ نیز همچنان رویکرد سرعت در دادرسی را دنبال می نمایند. با مذاقه در آنچه بیان شد در می یابیم که دادسرا و دادگاه های موضوع آیین نامه به رسیدگی و تصمیم گیری با سرعت فوق العاده ملزم گردیده اند. به نظر نگارندگان چنین الزام و فشار روانی و اداری ای، که به قضات موضوع آیین نامه وارد می گردد در خصوص پرونده های جرایم اقتصادی که اصولاً شمار زیادی متهم و شاکی را شامل شده و تعداد اوراق آن به هزاران برگه می رسد و نیز ابعاد فنی-تخصصی و نیازمند به کارشناسی را در دل خود جای می دهد، معقول نبوده و به علت این که احتمال قربانی شدن کیفیت قضاوت، به سبب سرعت بالای رسیدگی وجود دارد زیبنده دستگاه قضایی میهن اسلامی مان نیز نمی باشد.

این یک واقعیت است که رسیدگی های کیفری پُرشتاب و مسلسل وار ناقض حق برخورداری متهم از فرصت و تسهیلات لازم برای دفاع خواهد بود. (فتحی و امیرحاجلو، ۱۳۹۷: ۳۹۵) برای درک بهتر این شرایط یادآوری همین نکته کفایت که در پرونده های مطروحه در دادگاه های موضوع آیین نامه که شامل صدها و هزاران برگه است، سطر- سطر این اوراق در سرنوشت متهمین و نحوه دفاع از حقوق آنها و همچنین تصمیم دادگاه تأثیر گذار است لذا هم برای دادرسان و هم متهمین و وکلای ایشان بایستی فرصت کافی جهت تورق، مطالعه و تسلط بر محتویات پرونده در نظر گرفته شود که ظاهراً با تعیین چنین ضرب الأجل کوتاهی در آیین نامه عملاً امکان مطالعه جامع و دقیق پرونده های قطور و سرشار از نظریات کارشناسی و در نتیجه دفاع مناسب مقدور نخواهد بود. از سوی دیگر احتمالاً چنین قضاوت فشرده ای اتقان کافی را نیز در بر نخواهد داشت. در نتیجه مؤلفه رسیدگی توأم با تسرع، علاوه بر اینکه نوعی عقب گرد اخلاقی محسوب می شود بهره مندی از دادرسی منصفانه و اخلاق مدار را در اکثر موارد برای متهمین دچار مشکل خواهد نمود. در صورت تداوم مقررات آیین نامه و یا تبدیل آن به قانون، راهکار پیشنهادی اصلاح مقرر مذکور و تطویل معقول مهلت ها و ضرب الأجل های قید شده و تقریب به عمومات قانون آیین دادرسی کیفری خواهد بود. حال که چالش های اخلاقی ناشی از عطف به ماسبق شدن آیین نامه و نادیده انگاری حقوق مکتسبه متهم در فرآیند محاکمه را شناختیم به مؤلفه های دارای عقب گرد اخلاقی که سبب نادیده انگاری حقوق مکتسبه متهم در صدور احکام این دادگاه ها می گردد می پردازیم:

عطف به ماسبق شدن آیین نامه و نادیده انگاری حقوق مکتسبه متهم در صدور حکم

ممنوعیت دادگاه از کاربست تخفیف در مجازات

به عنوان مقدمه بایستی بیان نمود شایع ترین پاسخ به جرم با عنوان «کیفر» یا «مجازات» شناخته می شود. (غلامی، ۱۳۹۶: ۳۶) و کیفردهی فرآیندی است که مجرم را به علت تخطی از قانون و برهم زدن نظم و امنیت جامعه، کیفر داده و برای کنترل خطرات احتمالی آینده از جانب وی تلاش می نماید. (فلاحی، ۱۳۹۷: ۱۱۰). تفرید

مجازات (فردی کردن) از اصول مهم قضاوت صحیح محسوب و به معنای تطبیق مجازات با اوضاع و شرایط هریک از متهمین است. (اردبیلی، جلد ب، ۱۳۸۹:۱۹۹) به عبارت دیگر مطابق این اصل که حکایت از نگاه انسانی به مجرم دارد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲:۳۹) اگر قرار بر اجرای عدالت است بایستی به همان میزان که به شدت جرم توجه می‌شود نیازها، وضعیت شخصی مجرم و اوضاع و احوال خاص دخیل در ارتکاب جرم هم مد نظر قرار گیرند. اساساً مبنا و فلسفه تفرید مجازات، تقویت ویژگی اثر بخشی و اصلاحی آن است. (فلاحی، ۱۳۹۷:۱۱۰) که پیش‌بینی نهاد تخفیف مجازات یکی از مجاری بروز آن و پیش‌برنده کارکرد اخلاقی کاربست مجازات است.

در خصوص جرم اخلال در نظام اقتصادی که مصداق افساد فی الارض تشخیص داده شود با عنایت به حدی بودن ماهیت آن، ممنوعیت کاربست هرگونه تخفیف و تعلیق در مجازات واضح و مبرهن است و از موضوع نقد ما خروج موضوعی دارد. همچنین در خصوص سایر مجازات‌های مندرج در قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی نیز سابقاً مستند به تبصره ۵ ماده ۲ قانون مذکور اعمال تعلیق در کلیه موارد و اعمال تخفیف در خصوص مجازات اعدام، جزای نقدی و انفصال ابد ممنوع دانسته شده بودند لکن هم اکنون بموجب بند ۸ استیضاه آیین‌نامه^۱، قضات دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی در کلیه موارد از جمله حبس نیز با ممنوعیت کاربست تخفیف مواجه گردیده‌اند که اختیار قضات را در تفرید مجازات محدود نموده (تفرید زدایی) که با عنایت به قطعیت احکام صادره از این دادگاه‌ها به استثناء اعدام بموجب ماده ۲۸ آیین‌نامه، چنین نادیده‌انگاری‌ای در خصوص حقوق مکتسبه متهم نمود بیشتری خواهد داشت. خوشبختانه بر مبنای بند ۵ استیضاه مورخه ۱۳۹۹/۰۶/۰۲ که پیش‌تر شرح آن رفت، بسیاری از انتقادات آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷ نیز مرتفع گردید که یکی از آنها تابع قواعد عمومی قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مرتبط، قرار گرفتن محکومین این دادگاه‌ها از حیث مقررات تخفیف و تعلیق می‌باشد.

ناگفته نماند که کاربست تخفیف مجازات در قرآن کریم نیز مورد اشاره قرار گرفته است (عمید

زنجانی، ۱۳۸۲:۴۵۰)

قطعیت آراء صادره جز در مورد اعدام

یکی دیگر از چالش‌های اخلاقی حاکم بر رسیدگی این دادگاه‌ها که ناشی از نادیده‌انگاری حقوق مکتسبه متهم به شرح پیش گفته است، مواجهه با قطعیت آراء صادره به جز اعدام و در حقیقت، فقد حق بر تجدیدنظرخواهی است. به زعم برخی نویسندگان (رضوانی، ۱۳۹۶:۲۴۵) تجدیدنظرخواهی تضمینی در جهت اجرای عدالت، پاسداشت حقوق دفاعی متهم، جبران اشتباهات قضایی و از وسایل تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و تأمین منافع جامعه است و نبایستی تحت هیچ شرایطی، این حق از مرتکب ولو خطرناک، سلب شود. موضوع فقد مرحله تجدید نظر و قطعیت آراء صادره از دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرایم اخلالگران در نظام اقتصادی، در آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ پیش‌بینی شده بود و همچنان در آیین‌نامه سال ۱۳۹۹ نیز به قوت خود باقیست و حکایت از اراده‌ای برای حتمیت اجرای مجازات در خصوص مجرمین کلان اقتصادی دارد. پیش‌تر بیان نمودیم که افتراقی شدن دادرسی کیفری با اندیشه‌های سودمدار قابل انطباق و توجیه است. از این منظر کیفر زمانی اقتضا دارد که نه تنها متضمن خوبی یا پیشگیری از شر و بدی باشد بلکه جانشینی هم نداشته باشد.

^۱ . Available at: <https://www.leader.ir/fa/content/21858>

بر مبنای سودگرایی، مجازات با چهار شیوه قابلیت پیشگیری از وقوع جرم در آینده را دارد: ارباب مجرم و دیگران، اصلاح مجرم، ناتوان سازی مجرم و ارضای بزه دیده. (برهانی، ۱۳۹۶: ۲۶۷) می دانیم که اجرای کیفر به مجرم درس عبرت داده (بازدارندگی خاص) و او را سرمشق دیگران قرار می دهد (بازدارندگی عام). فلذا در افساد فی الارض ناشی از جرایم اقتصادی، اجرای کیفر اعدام کامل ترین نتیجه یعنی ناتوانی و دور شدن ابدی مجرم از جامعه (غلامی، ۱۳۹۶: ۱۵۰؛ محمودی جانکی، ۱۳۹۲: ۶۷۳) را به دنبال خواهد داشت همچنین از منظر سودمداری چنانچه مجازات در جهت بهبود مؤثر منافع جامعه پیش رود به حق است و اگر نه توجیهی ندارد. (رالز، ۱۳۹۲: ۸۴۵) در نهایت بایستی گفت از دریچه دیدگاه سودمدار قطعیت احکام صادره حتمی بودن اجرای کیفر در کوتاهترین زمان را در برداشته و خاصیت بازدارندگی عام و خاص کیفر را به بهترین وجه تضمین خواهد نمود.

تا زمان اعتبار استجازه و آیین نامه سال ۱۳۹۷، به موجب ماده ۲۸ آیین نامه مذکور آرای دادگاه های ویژه جرایم- اقتصادی قطعی بودند مگر مجازات مورد حکم اعدام باشد که در اینصورت ظرف ۱۰ روز از ابلاغ قابل فرجام خواهی در شعب خاص دیوان عالی کشور است و بر اساس ماده ۳۱ آیین نامه فوق، پرونده ظرف ۲ روز از فرجام خواهی، به دیوان عالی کشور ارسال و شعبه دیوان ظرف حداکثر ۲۰ روز تعیین تکلیف و در صورت تأخیر بایستی دلیل تأخیر را از طریق رییس دیوان به معاون اول قوه اعلام نماید. هم اکنون نیز بر مبنای ماده ۱۹ آیین نامه ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ همین وضعیت جاری است. ماده ۲۱ آیین نامه ۱۳۹۹/۰۷/۰۸، نیز در رابطه با سرعت در اجرای مجازات مقرر داشته: « بعد از قطعیت رأی، مرجع صادر کننده رأی قطعی ضمن گزارش موضوع و انعکاس نتیجه رسیدگی به معاون اول قوه قضاییه بلافاصله پرونده را برای اجرای حکم، حسب مورد به دادسرا یا دادگاه ارسال می نماید.»

شایان ذکر است از منظر آموزه های حقوق جزا چنانچه قانون لاحق راه اعتراض و شکایت نسبت به احکام و قرارهای دادگاه را برخلاف قانون سابق مسدود کرده یا مهلت آنرا تقلیل دهد معارض حقوق مکتسبه متهمین محسوب و هیچگاه عطف بما سبق نمی گردد. (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۱۷۲) در همین رابطه بایستی بیان داشت که مطابق قواعد حقوق بشری اصل بر عدم قطعیت آرای محاکم است (رحمدل، ۱۳۹۲: ۳۲۴؛ خالقی، ۱۳۹۲: ۳۶۹) در همین رابطه نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) نیز حق استیناف (تجدید نظر خواهی) مردم از حکم قاضی را به رسمیت شناخته و اجرا می نمودند (محقق داماد، ۱۳۸۱: ۲۲) افزون بر این نقل شده است امیرالمومنین امام علی (ع)، نیز حق نقض حکم و استیناف محاکمه را علیرغم صدور حکم توسط قاضی برای خود محفوظ نگاه می داشته اند. (موسوی بجنوردی و روحانی، ۱۳۹۱: ۳۰)

با توجه به این که در صدور آرای محاکم همواره احتمال خطا (قصور یا تقصیر) وجود داشته و برپایی عدالت همواره از منظر نظریه پردازان، بر اجرای آرای محاکم، برتر تلقی شده و در حقوق اسلامی نیز با قاعده اخلاقی «ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر» مواجه هستیم (منتظری، ۱۳۶۷: ۵۹۶؛ رحیمی- نژاد، ۲۰۰۸: ۱۳۸۷) فلذا می توان این گونه نتیجه گرفت که در خصوص پرونده های مورد رسیدگی در دادگاه های موضوع آیین نامه با توجه به حجم بالای پرونده ها بخاطر گستردگی جرایم و تعدد اتهامات، ازدیاد تعداد شکات و متهمین، سرعت رسیدگی فوق العاده، پی در پی بودن جلسات رسیدگی، فشار رسانه ها، عوام گرایی کیفری و... احتمال

بروز خطا در صدور احکام بیشتر خواهد بود لذا حزم و احتیاط بیشتر در قالب رسیدگی دومرحله‌ای لازم می‌آید. مضافاً نباید از یاد برد که سهم قابل توجهی از تشکیلات سازمانی و بودجه دستگاه قضایی به‌درستی به محاکم تجدیدنظر اختصاص یافته که در بیشتر موارد به تجدیدنظرخواهی از آرای می‌پردازند که میزان مجازات آنها به مراتب از آنچه در دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی مورد حکم قرار می‌گیرد سبک‌تر است. در نتیجه انتظار اصلاح این مقرر و قابل تجدیدنظر شدن کلیه آراء صادره از این محاکم مطابق عمومات آیین دادرسی کیفری زیاده نخواهد بود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

اخلاق به‌عنوان قواعدی ریشه‌دار و دارای مقبولیت در متن جامعه پشوانه قدرتمندی جهت اجرای مؤثر و موفق قوانین و مقررات محسوب می‌شود. از سوی دیگر رسوب دیدگاه‌های نئولیبرال بر عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی از جمله سیاست‌جنایی و حقوق کیفری و ناکارآمدی این دو در مسیر پاسخ‌دهی به برخی جرایم علی-الخصوص جرایم اقتصادی، سبب در اولویت قرار گرفتن مفاهیم «کارایی» و «پیامدگرایی» نسبت به مفاهیم اخلاق-مدارانه و در نتیجه عقب‌گرد اخلاقی حقوق جزا و سیاست جنایی در هر دو حوزه شکلی (آیین دادرسی کیفری) و ماهوی گردیده است. تأثیر انواع محیط بر وقوع بزهکاری، یکی از موضوعات مورد مطالعه در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی می‌باشد. بر مبنای نظریه مکتب جغرافیای جنایی و قانون حرارتی جرم از کتله، مقوله-هایی نظیر فصول سال، موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی هر منطقه بر نوع رفتار مجرمانه ساکنان آن منطقه، تأثیر گذار است. با نظر گرفتن این نظریه در مناطق شمالی و فصول سرد سال که اکثر حضور مردم در جامعه در محیط‌های سر بسته است، جرایم علیه اموال و مالکیت بیشتر به وقوع می‌پیوندند. در مناطق شهری و نه در مناطق روستایی، اکثریت جرایم ارتكابی از نوع جرایم سودجویانه می‌باشند. جرم اخلال در نظام اقتصادی نیز به‌عنوان یک جرم اقتصادی کلان، محصول شهرنشینی است چرا که فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات مالی گسترده در مناطق شهری، خود به‌عنوان زمینه‌ای برای ارتكاب و توسعه چنین جرمی محسوب می‌گردد. اماکن شهری به اقتضای آرایش اجتماعی، فرصت مجرمانه بیشتری را در اختیار مجرمان می‌گذارند و به این دلیل که میزان تمرکز سرمایه، فکر و تجارت از شهری به شهر دیگر متفاوت است، سطح ارتكاب و آمار جرایم اقتصادی نیز بسته به درجه توسعه یافتگی و اقتصادی شهرها و میزان درگیری آن‌ها در فعالیت اقتصادی و اجتماعی متفاوت خواهد بود.

در این میان اهمیت بالای ارتكاب جرایم کلان اقتصادی که تحت عنوان اخلال در نظام اقتصادی به‌رسمیت شناخته شده به‌علت قدرت تخریب و تأثیرات سوء آن‌ها در سطح جامعه علاوه بر برهم زدن نظم و امنیت عمومی، ورود لطمه به سرمایه‌های اجتماعی مملکت و سلب اعتماد عمومی به حاکمیت را نیز سبب می‌شود. افزون بر موارد فوق، وضع تحریم‌های ظالمانه اقتصادی توسط جبهه استکبار و شرایط خاص فعلی که از آن به‌عنوان دوران «جنگ اقتصادی» یاد می‌شود لزوم پاسخ‌دهی به این دسته جرایم را دوچندان می‌نماید.

علی‌هذا امروزه مجموع شرایط ذکر شده با کاربست رویکرد افتراقی در رسیدگی به جرایم اخلالگران در نظام اقتصادی و تأسیس دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی در قالب تصویب «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۹۷/۰۸/۲۳» طرحی نو در شیوه دادرسی‌های کیفری در انداخت که ضمن

داشتن محاسن و فوایدی، دارای مؤلفه‌های واجد عقب‌گرد اخلاقی نیز بوده است. آیین نامه مذکور در مورخه ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ با اصلاحات و تغییراتی در کالبد «آیین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلاخل گران در نظام اقتصادی کشور» مواجه و هم اکنون و تا زمان تدوین قانون مناسب در مجلس شورای اسلامی در حال اجرا می باشد.

یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند عنوان عقب‌گرد اخلاقی را با خود هماهنگ نماید، عبور از اصل برابری سلاح‌ها است که بطور کلی رسیدگی به این دسته جرایم در دادگاه‌های ویژه جرایم اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده و سایر مؤلفه‌های واجد عقب‌گرد اخلاقی که ناشی از عطف‌بم‌اسبق شدن آیین‌نامه مصوب ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ و نادیده-انگاری حقوق مکاتبه متهم بودند به دو دسته کلی یعنی «مؤلفه‌های واجد عقب‌گرد اخلاقی مربوط به فرآیند محاکمه» نظیر: رویگردانی از اصل برائت و تسرع در رسیدگی و صدور حکم و «مؤلفه‌های واجد عقب‌گرد اخلاقی مربوط به احکام صادره از این محاکم» نظیر: ممنوعیت از کاربست تخفیف در مجازات و قطعیت آراء صادره به استثناء محکومیت به اعدام، تقسیم می‌شوند و اگرچه چنین رویکرد افتراقی‌ای با توجیه لزوم حفظ نظم و امنیت و ایجاب مصلحت جمعی جامعه با اندیشه سودمدار قابل انطباق است لکن از آنجایی‌که آیین دادرسی کیفری به مثابه آیین تمام قدی است که در طول فرآیند کیفری، میزان پابندی حاکمیت نسبت به قانون‌مداری توأم با احترام به اصول و الزامات اخلاقی، شرعی، کرامت انسانی، حقوق بشر، حقوق شهروندی آن جامعه را در سطح داخلی و خارجی بازتاب می‌دهد و نظر به اینکه عملکرد این دادگاه‌ها در کارنامه دستگاه عدالت کیفری و تاریخ میهن اسلامی مان ثبت می‌گردد اولویت اول ملحوظ نظر قرار دادن آنچه بیان گردید و مبدل شدن محتوای اصلاح‌شده آیین‌نامه به قانون و در درجه دوم اصلاح آیین‌نامه مذکور از راه‌هایی نظیر تزریق قضات متخصص و فنی در زمینه جرایم اقتصادی به ترکیب هیأت قضایی دادگاه‌های مذکور به منظور تعدیل نگاه امنیتی صرف به متهم، منع تشهیر متهم قبل از پایان دادرسی و محکومیت قطعی، رسیدگی در مهلت معقول و متناسب با حجم و ابعاد پرونده، توجه به تفهید مجازات در صدور حکم و کارکرد اخلاقی اصلاحی آن و کاربست رسیدگی دو مرحله‌ای با عنایت به نتیجه آسیب شناسی‌های دیگر، توسط ریاست محترم جدید قوه قضاییه و دیگر کارشناسان که با آموزه‌های اخلاقی، شرعی، کرامت‌انسانی و اصول مسلم حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری هم‌گرا تر بوده و در عین حال دغدغه رهبر معظم انقلاب مبنی بر مجازات سریع و عادلانه مفسدان اقتصادی را مرتفع نماید به شدت ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آشوری، محمد، مندنی، اسلام (۱۳۹۷)، «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق-بشری»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، پاییز، سال نهم، ش ۱.
۳. آیت، علیرضا، پاکزاد، بتول، عالی‌پور، حسن، صابر، محمود (۱۳۹۸)، «توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، پاییز، سال هشتم، ش ۲۸.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹)، الف، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ بیست و سوم، تهران، نشر میزان.

۸۱۶ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیای و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۰

۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۹)، ب، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست و یکم، تهران، نشر میزان.
۶. اکبری، عباسعلی، مالمیر، محمود، پوربافرانی، حسن (۱۳۹۶)، «مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت»، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، بهار و تابستان، سال هشتم، ش ۱۴.
۷. برهانی، محسن (۱۳۹۶)، اخلاق و حقوق کیفری، چاپ سوم، قم، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. بیات‌کمیته‌کی، مهناز، یزدان‌پناه، زین‌العابدین، بالوی، مهدی (۱۳۹۷)، «از حقوق بشر تا حقوق شهروندی؛ از فاعلیت تا مشارکت»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، تابستان، دوره ۲۳، ش ۸۲.
۹. پاک‌نیت، مصطفی (۱۳۹۶)، افتراقی‌شدن دادرسی کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۰. پرت، جان (۱۳۹۲)، عوام‌گرایی کیفری؛ بسترها، عوامل و آثار، ترجمه هانیه هژبرالساداتی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۱. توجهی، عبدالعلی، دهقانی علی (۱۳۹۲)، «در جدال امنیت گرای و موازین دادرسی منصفانه»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، بهار و تابستان، سال دوم، ش ۳.
۱۲. توحیدخانه، محمد صدر (۱۳۹۲)، «حقوق در چنبره دشمن»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات). زیر نظر علی-حسین نجفی‌ابرنادآبادی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۱۳. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱)، ترمینولوژی حقوق، چاپ دوازدهم، تهران، نشر کتابخانه گنج دانش.
۱۴. حیدری، مسعود، میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۷)، «مبانی فقهی مدیریت خطر در مقابله با بزهکاری»، فصلنامه پژوهش‌های فقهی، بهار، دوره ۱۴، ش ۱.
۱۵. خالقی، علی (۱۳۹۲)، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست‌ویکم تهران: نشر شهردانش.
۱۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود و عقل، چاپ هفتم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۷. دبیرزاده، الهه (۱۳۹۴)، جدال قدرت و آزادی در دادرسی‌های کیفری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، فرهنگ متوسط دهخدا، جلد اول، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۹. راز، جان (۱۳۹۲)، «دو مفهوم از قواعد». ترجمه محمدعلی اردبیلی. تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات) کتاب اول. زیر نظر علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی. چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۲۰. رایجیان‌اصلی، مهرداد (۱۳۹۸)، «اصل قانون‌مندی حقوق جنایی با رهیافتی به تحولات اخیر آن در حقوق ایران»، علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری‌های بین‌المللی (مجموعه مقالات نکوداشت دکتر سیلویا تلنباخ) به کوشش دکتر حسین غلامی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۲۱. رحمانیان، حامد، حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۹۲)، «ابزارگرایی کیفری؛ قلمرو، مفهوم و شاخص‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان، سال ۲، ش ۵.
۲۲. رحمدل، منصور (۱۳۹۲)، «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۲۳. رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۲۴. رستمی، هادی (۱۳۹۷)، «ماهیت و آثار جرایم اقتصادی در قوانین کیفری ایران»، سیاست‌جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات) به کوشش: امیر حسن نیاز پور، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۲۵. رضوانی، سودابه (۱۳۹۶)، مفهوم خطرناکی در گستره علوم جنایی. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
۲۶. سلطانی فرد، حسین، مالمیر، محمود، عالی‌پور، حسن (۱۳۹۸)، «دادرسی افتراقی جرایم نافی عفت؛ از مقتضی تعقیب تا صلاحیت سازمانی»، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز و زمستان، دوره ۱۶، ش ۱۸.
۲۷. سلطانی فرد، حسین، مالمیر، محمود، عالی‌پور، حسن (۱۳۹۷)، «آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل»، فصلنامه مطالعات حقوقی، پاییز، دوره ۱۰، شماره ۳.
۲۸. شمس‌ناتری، محمد ابراهیم (۱۳۹۰)، «اصل برائت و موارد عدول از آن در حقوق کیفری»، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر آشوری). چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۲۹. شمس‌ناتری، محمد ابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم، ریاضت، زینب (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در - نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۳۰. شمعی، محمد، احمدی، محمدصادق (۱۳۹۸)، «کرامت زدایی از انسان و انسانیت‌زدایی از حقوق». دو فصلنامه حقوق تطبیقی، بهار و تابستان، سال ۱۵، ش ۱.
۳۱. طاهری، سمانه (۱۳۹۲)، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۳۲. علیزاده، عبدالرحمن (۱۳۹۴)، «آثار و نتایج شتابزدگی در مسئولیت‌های اجتماعی از دیدگاه قرآن و روایات»، فصلنامه علمی پژوهشی بصیرت و تربیت اسلامی، پاییز، دوره ۱۲، ش ۳۴.
۳۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، آیات الاحکام، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۴. غلامی، حسین (۱۳۹۶)، کیفر شناسی؛ کلیات و مبانی پاسخ‌شناسی جرم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۳۵. فتحی، محمدجواد، امیر حاجلو، فضل‌الله (۱۳۹۷)، «جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا در پرتو اصول دادرسی منصفانه»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، پاییز و زمستان، دوره ۴۸، ش ۲.
۳۶. فرجیها، محمد. مقدسی، محمدباقر (۱۳۹۵)، «پاسخ‌های کیفری عوام گرایانه به مفسد اقتصادی»، دایره المعارف - علوم جنایی (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۳۷. فروغی، فضل‌الله، صادقی، محمدهادی، اخوان کاظمی، بهرام، میرزایی، محمد (۱۳۹۷)، «کرامت‌مداری؛ راهبرد تعادل بخش میان امنیت و آزادی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، بهار و تابستان، ش ۱۵.
۳۸. فلاحی، ابوالقاسم (۱۳۹۷)، «تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، تابستان، سال ۸۲، ش ۱۰۲.
۳۹. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۴)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، چاپ دوم، قم، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴۰. فتواتی، جلیل، مندنی، اسلام (۱۳۹۷)، «اخلاق و دادرسی عادلانه در پرتو قابلیت پیش‌بینی قواعد دادرسی»، فصلنامه - پژوهش‌های اخلاقی، بهار، سال هشتم، ش ۳.

- ۸۱۸ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال یازدهم، شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۰
۴۱. قهرمانی، مجتبی، سایبانی، علیرضا (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی دادگاه‌های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی با تأکید بر اصل حتمیت اجرای مجازات‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، تابستان، سال ۷، ش ۲۷.
۴۲. قیوم زاده، محمود، جهانگیری مقدم، روح‌الله (۱۳۹۳)، «اخلاق مداری؛ مبنای ارتقاء حقوق شهروندی»، فصلنامه پژوهش‌های اخلاقی، زمستان، سال پنجم، ش ۲.
۴۳. گلدوست جویباری، رجب. سلطانی رنانی، عبدالحسین، ابراهیمی میانرزی، مهدی (۱۳۹۷)، «بررسی رویکرد امنیت-گرا به جرایم اقتصادی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی قضایی، پاییز، ش ۳.
۴۴. گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۲)، «توسعه قضایی و حقوق متهمان»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۴۵. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، روحانی، سمیه (۱۳۹۱). «شاخصه‌های عدالت قضایی از منظر امیرالمومنین علی(ع) با رویکردی بر آرای امام خمینی»، فصلنامه پژوهشنامه متین، بهار، سال ۱۴، ش ۵۴.
۴۶. موسوی بجنوردی، سید محمد، کبیر تکمیلی‌نژاد، عاطفه (۱۳۹۰)، «جایگاه عدالت و اخلاق در فقه و حقوق اسلامی با رویکردی بر آرای امام خمینی»، فصلنامه پژوهشنامه متین، تابستان، دوره ۱۳، ش ۵۱.
۴۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷)، قواعد فقه (بخش جزایی)، چاپ نهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۸. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱)، قواعد فقه (بخش قضایی)، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۹. محمد نسل، غلامرضا (۱۳۹۵)، جرم‌شناسی عمومی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۵۰. محمودی‌جانکی، فیروز (۱۳۹۲)، «نظام کیفردهی»، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقالات). زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، کتاب اول، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۵۱. مظاهری، حسین (۱۳۸۳)، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شئون حکمت عملی، ترجمه: حمیدرضا آژیر، جلد ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات ذکر.
۵۲. معین، محمد (۱۳۸۲)، فرهنگ فارسی معین، جلد ۱، چاپ اول، تهران، نشر سی گل.
۵۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۶۷)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد ۳، چاپ اول، قم، نشر کیهان.
۵۴. مندنی، اسلام (۱۳۹۴)، سیاست جنایی امنیت مدار و نظام کیفری حقوق بشر. چاپ اول، تهران، نشر مجد.
۵۵. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۸)، «مبانی افتراقی شدن سیاست کیفری در قلمرو جرایم اقتصادی». دایره المعارف علوم جنایی (علوم جنایی تجربی) زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی. جلد چهارم، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۵۶. مهدوی‌پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۶)، «تحدید تضمین‌های دادرسی عادلانه در پرتو جرم‌شناسی امنیت-گرا»، مجله حقوقی دادگستری، بهار، سال ۸۱، ش ۹۷.
۵۷. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۵)، الف، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی. چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۵۸. مهدوی‌پور، اعظم (۱۳۹۵)، ب «تعقیب و تحقیق جرم اقتصادی؛ روش‌ها و ویژگی‌ها»، دایره المعارف علوم-جنایی (مجموعه مقالات تازه های علوم جنایی) زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۵۹. مهدوی‌پور، اعظم، شهرانی کرانی، نجمه (۱۳۹۳)، «امنیتی‌شدن جرم‌شناسی؛ راهبردها و آثار آن بر حقوق کیفری». پژوهشنامه حقوق کیفری. بهار و تابستان، سال ۵، ش ۱.

۶۰. میرمحمدصادقی، حسین، قدیری بهرام‌آبادی رشید (۱۳۹۴)، «نقش و جایگاه سیاست در عدالت کیفری حاکم بر جرایم تروریستی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، زمستان، سال ۴. ش. ۱۳.
۶۱. ناجی، مرتضی (۱۳۹۴)، آشنایی با آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران، نشر خرسندی.
۶۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی». سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی (مجموعه مقالات). به کوشش: امیر حسن نیاز پور، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۶۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶)، درآمدی بر سیاست جنایی، (دیباچه ویراست سوم کتاب درآمدی بر سیاست جنایی نوشته کریستین لازرژ برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی)، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.
۶۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۹۲-۹۱)، تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
۶۵. نوربها، رضا (۱۳۸۷)، زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیست‌ویکم، تهران، نشر کتابخانه گنج‌دانش.
۶۶. نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری اقتصادی. چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۶۷. وایت، راب، هاینز، فیونا (۱۳۹۵)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی، چاپ هشتم، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶۸. وروایی، اکبر، سعادت، رضا، هاشمی، حمید (۱۳۹۳)، «تأثیر اخلاق در جرم‌انگاری و جرم‌زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، پاییز، سال سوم، ش ۸.

69. Cebulak, Wojciech, (1996), Morality in Criminal Law and Criminal Procedure: Principles, Doctrines and Court Cases, *Journal of Police and Criminal Psychology*, Vol 11, No, 2. 34-37
70. J.Eberle, Edward, (2012), Observations on The Development of Human Dignity and Personality in German Constitutional Law: An Overview, *Liverpool Law Review*, 33:201-233
71. R.Ferguson, Pamela, (2016), The Presumption of Innocence and its Role in The Criminal Process, *Criminal Law Forum*, Available at: <http://www.Springerlink.com> (DOI 10.1007/s10609-016-9281-8) (Last Visited: 07/16/2020)
72. Welch, Michael, (2003), Trampling Human Rights in The War On Terror: Implications To The Sociology of Denial, *Critical Criminology*, 12:1-20
73. <https://aftabnews.ir/fa/news/613843/> (Last Visited: 07/25/2020)
74. <https://www.alef.ir/news/news/3980506011.html> (Last Visited: 07/25/2020)
75. <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3506278> (Last Visited: 07/25/2020)
76. <https://www.donya-e-eqtasad.com/fa/tiny/news-3562143> (Last Visited: 07/25/2020)
77. <https://www.leader.ir/fa/content/21858> (Last Visited: 07/25/2020)